

انتفاضه الاقصی و دیدگاه‌های رژیم صهیونیستی

■ هادی رستمی مراد*

اخیر امری بی سابقه بوده است به گونه ای که وحشت مقامات اسرائیلی را برانگیخته است. اظهارات باراک مبنی بر این که ناآرامی های اخیر تغییرات بسیار عمیقی را برای این کشور ایجاد کرده است نمونه ای از واکنش مقامات این رژیم در این باره می باشد. چالشهای شکل گرفته در دو بعد امنیتی و دیپلماتیک بنیانها و اسطوره های این رژیم مبنی بر این که با گذشت ۵۲ سال مردم فلسطین مبارزه را رها کرده و به سازش روی خواهند آورد، فرو ریخت. اگرچه اعلام به تعویق افتادن تشکیل کشور مستقل فلسطین از سوی تشکیلات خودگردان که متعاقب شکست مذاکرات کمپ دیوید ۲ صورت گرفت، را می توان دلیلی بر این مسأله قلمداد کرد ولی آن چه که بیش از همه احساسات مسلمانان را جریحه دار کرد، دیدار

انتفاضه الاقصی و گسترش قیام مردم فلسطین در مقابل رژیم صهیونیستی و سرکوب شدید آن در زمان دولت باراک، پرده از ماهیت درونی وی و حزب کارگر مبنی بر پایبندی به صلح برداشت و روشن ساخت که صهیونیستها اگر چه در شیوه ها و روشهای دستیابی به هدف - امنیت - با یکدیگر اختلافاتی دارند ولی در این که موانع موجود در سر راه تحقق این هدف را با هر وسیله ممکن باید از سر راه برداشت با یکدیگر اتفاق نظر دارند. ۵۲ سال اشغال سرزمین فلسطین و کشتار مسلمانان در دوره های مختلفی که حزب لیکود و یا حزب کارگر در رأس قدرت بوده اند، نشان از استراتژی ثابت این رژیم در سرکوب فلسطینیان داشته است. بحران اخیر از لحاظ کیفیت و کمیت در سالهای

۱- دولت اسرائیل

در رابطه با دولت اسرائیل در ابتدا باید گفت به دلیل نظام چند حزبی و رقابت احزاب در آن امکان این که یک حزب بتواند در رأس هرم سیاسی قرار بگیرد وجود ندارد و لذا دولتی هم که تشکیل می شود دولتی ائتلافی می باشد. در خصوص بحران اخیر براساس همین متغیر ائتلافی باید دید گاه‌های دولت اسرائیل را مورد بررسی قرار داد. از همان ابتدای شکل گیری بحران، دولت اسرائیل با صدور بیانیه ای تشکیلات خود گردان و یاسر عرفات را مسئول بروز بحران معرفی نموده و از آنان خواست برای پایان دادن به درگیری‌های بوجود آمده تلاش کنند. در ابتدا این نظر وجود داشت که باراک می خواهد بحران شکل گرفته را از راه‌های سیاسی حل و فصل نماید. وجود متغیرهایی چند سبب چرخش این سیاست باراک گردید. به گونه ای که وی اعلام کرد در صورت ادامه خشونت‌ها از هرگونه سلاح و امکاناتی استفاده خواهد کرد:

مدت آن

آریل شارون از مسجد الاقصی بود که خشم مسلمانان را برانگیخت. دیدار برنامه ریزی شده شارون از مسجد الاقصی که با هماهنگی باراک صورت گرفت این امر را که احزاب لیکود و کارگر اختلافات عمیقی با یکدیگر دارند را رد کرده و روشن ساخت که هر دو حزب در قبال موضوع بیت المقدس مبنی بر این که این شهر پایتخت یکپارچه و ابدی اسرائیل است، موضع واحد و مشترکی دارند. در هر حال شکل گیری قیام انتفاضه و اکنش‌های متفاوتی را در بین مقامات رژیم صهیونیستی برانگیخت. قبل از پرداختن به موضوع باید به این نکته مهم اشاره داشت که دیدگاه‌های مختلف مقامات رژیم صهیونیستی در این بحران تنها در روشها و ابزار مقابله با آن مطرح می باشد و اصل سرکوب فلسطینی‌ها برای همه مقامات این رژیم به منظور امنیت آن اصلی ثابت و تغییرناپذیر می باشد. براین اساس به بررسی دیدگاه‌های این رژیم در این رابطه می پردازیم:

اعضاء کابینه با توقف روند مذاکرات- اختلاف نظرهای باراک با بعضی از وزرا کابینه نظیر شلومو بن آمی (سرپرست وزارت امور خارجه) و یوسی بیلین (وزیر دادگستری)- طرح باراک برای جداسازی مناطق اسرائیلی از مناطق فلسطینی، موافقت باراک برای تشکیل کمیته تحقیق در مورد کشته شدن اعراب اسرائیلی در درگیریها، نشان می دهد که باراک دریافته است که از راههای نظامی نخواهد توانست بحران اخیر را پایان بخشد. تأکید باراک مبنی بر این که "اگر شده صلح را از زیر سنگ جستجو کنیم دل سنگ را برای رسیدن به صلح خواهیم شکافت"، مؤید این نکته است که اگرچه مقامات ارتش و احزاب راست اعتقاد به راه حل های نظامی دارند ولی برای باراک مسلم گردیده است که با شیوه های نظامی نخواهد توانست به هدف خود که تحقق صلح است، دست یابد.

۲- احزاب راست و مذهبی

در خصوص مطرح کردن احزاب راست و مذهبی در یک طیف باید

- کشته شدن تعدادی از سربازان و شهروندان این رژیم
- کشیده شدن دامنه بحران به مرزهای شمالی
- در اقلیت بودن دولت ائتلافی باراک

- جلب نظر احزاب راست و مذهبی به منظور همراه ساختن آنها برای ورود به دولت خود (نظیر آن چه که حزب شاس البته بدون ورود به ائتلاف انجام داد و اعلام نمود که از دولت باراک حمایت خواهد کرد).

- سخنان باراک مبنی بر این که از سه اصل مهم نخواهد گذشت: امنیت داخلی، اتحاد و همبستگی مردم، حفاظت از اماکن مقدسه اسرائیل

- مجموعه این متغیرها سبب شد تا باراک اقدامات نظامی دولت را علیه فلسطینیان توجیه کند. نظیر آن چه که باراک عنوان کرد: "هیچ کشوری نمی تواند آشوب و اغتشاش را از سوی شهروندانش تحمل کند." طولانی شدن بحران، عدم کارایی روشهای نظامی را به دنبال داشت. مخالفت تعدادی از

بدون ورود در ائتلاف، چتر حمایتی برای دولت تا یک ماه آینده - با فرض اتمام بحران تا آن زمان - ایجاد می نمایند.

ب: سطح حزبی: وقتی بحران اخیر را در یک سطح پایین تر بررسی می نمایم، اختلافات نه تنها بین این دسته از احزاب با دولت باراک بلکه حتی در بین احزاب راست و مذهبی نیز نمایان می گردد. چرا که در این سطح انگیزه های حزبی بر انگیزه های ملی غلبه پیدا کرده و هر حزب بحران اخیر را براساس منافع حزبی خویش تفسیر می نماید. بر این اساس حزب لیکود در رابطه با بحران اخیر خواسته هایی را دنبال می کند:

- تأکید بر یکپارچگی و عدم تقسیم بیت المقدس و عدم هیچ گونه مذاکره ای در این خصوص
- مقابله با دولت باراک و فراهم آوردن زمینه سقوط آن
- فراهم آوردن زمینه های برگزاری انتخابات زودهنگام پارلمانی با توجه به در اقلیت بودن دولت باراک
- تغییر در نحوه مذاکرات با فلسطینی ها

گفت سیاستهای محافظه کارانه، سنتی و افراطی تا حدود زیادی باعث شده است تا این دو طیف در موضوعات مختلف دیدگاههای تقریباً مشترکی با یکدیگر داشته باشند. دیدگاههای این دسته از احزاب را می توان در رابطه با بحران اخیر در دو سطح مورد بررسی قرار داد.

الف) سطح ملی: در سطح ملی احزاب فوق همگی خواستار استفاده از روشهای قهرآمیز برای فرونشاندن بحران می باشند. فصل مشترکی که این احزاب با دولت دارند نیز حول محور امنیت استوار است. در این سطح این احزاب اعلام کرده اند که از اقدامات باراک در سرکوبی فلسطینی ها حمایت می کنند. به همین دلیل علی رغم نقاط افتراق بین این دسته از احزاب با دولت باراک مشاهده می شود در عمل این احزاب هیچ گونه اقدامی را در تضعیف دولت باراک به عمل نمی آورند و یا حداقل اقدامات خود را به بعد از فروکش کردن بحران موکول می نمایند و یا حتی بعضی از احزاب نظیر حزب شاس اعلام داشته اند

شاس که در این بین نقش خاص و بینابینی را بین دو حزب کار و لیکود داشته، در بحران اخیر گرایش به سمت باراک پیدا کرده است (البته به دلیل تأمین منافع حزبی اش در این بخش) به طوری که این اقدام شاس با واکنش منفی از سوی احزاب مذهبی و حزب لیکود مواجه گشت.

در هر حال در این سطح بحران شکل گرفته در سرزمینهای اشغالی را باید براساس خاستگاه و منافع حزبی تفسیر نمود، همچنین کنش و واکنشهای احزاب در این سطح بیانگر تأمین و یا عدم تحقق خواسته های آن حزب خواهد بود.

۳) احزاب عربی

به موازات گسترش بحران و کشتار مسلمانان فلسطینی، اعراب اسرائیلی نیز ساکت ننشسته و به حمایت از مردم فلسطین پرداختند. رژیم صهیونیستی هیچ گاه این تصور را نداشت که دامنه بحران از سرزمینهای اشغالی سال ۱۹۶۷ گذشته و به مناطق اشغالی سال ۱۹۴۸ سرایت کند. زیرا این رژیم فکر می کرد این اعراب در

از جمله اهدافی می باشد که حزب لیکود آن را دنبال می کند. موضوعی که در این بحران احزاب مذهبی را خیلی به لیکود نزدیک کرده بحث اماکن مقدس مذهبی می باشد. مسأله ای که این حزب به خوبی از آن بهره برداری سیاسی نموده است، تأکید شارون بر این که هر یهودی حسق بازدید از مسجد الاقصی را دارد، احزاب مذهبی به خصوص احزابی که دارای مواضع افراطی تری می باشند به سمت این حزب سوق داده است.

در بین احزاب مذهبی نیز وقتی موضوع را در سطح حزبی بررسی می نمایم شکافهایی مشاهده می شود. تأکید بعضی از احزاب مذهبی مبنی بر عدم تمکین در برابر خواسته فلسطینی ها به دلیل دیدگاههای افراطی و عدم عدول از مواضع خود نظیر احزاب مفدال و یهدوت هتوراه از یک سو و نظر بعضی دیگر از احزاب نظیر شاس که گرایشات معتدلی در این رابطه دارند از سوی دیگر نوعی شکاف در این دسته از احزاب به وجود آورده است. حزب

اسرائیلی در قبال قیام انتفاضه با واکنش منفی احزاب راست و مذهبی مواجه گشت. به گونه ای که آریل شارون این دسته از نمایندگان را ضد اسرائیلی و ضد یهودی قلمداد کرد. در مجموع گستردگی واکنشها در بین اعراب اسرائیلی، رژیم صهیونیستی را تا حدوی وادار به قبول درخواست آنان نمود. دیدار شلومو بن آمی با نمایندگان عرب کنست برای پایان دادن به اعتصابات و تشکیل کمیته ملی تحقیق درباره درگیریها در مناطق عرب نشین از جمله مواردی بود که دولت باراک برای پایان دادن به ناآرامی های اعراب اسرائیل بعمل آورد.

۴) ارتش

از همان ابتدای شکل گیری بحران دیدگاه نظامیان بر این امر استوار بود که باید با هر طریق ممکن به درگیریها پایان بخشید. هشدارهای مقامات نظامی در این قضیه نشان داد که آنها کوچک ترین تردیدی در استفاده از ابزارهای نظامی به خود راه نداده و اعتقادی به راه حل های سیاسی ندارند. کشته شدن تعدادی از نظامیان صهیونیست و

طول ۵۲ سال گذشته به دلیل کسب تابعیت اسرائیلی هویت عربی خود را از دست داده اند. وقوع حوادثی نظیر کشته شدن ۱۳ عرب اسرائیلی، اعتصابات گسترده (مدارس، مؤسسات، محلهای کار، درگیری اعراب با یهودیان در شهرهای بت یام - خولون - جنوب تل آویو - یافا، نشان از گستردگی اعتراضات در بین این دسته از اعراب داشت. دامنه این اعتراضات حتی به نمایندگان عرب کنست نیز کشیده شد. اظهارات این دسته از نمایندگان جمله گوی در حمایت از قیام انتفاضه بود. سخنان محمد برکه نماینده کنست از حزب حداش مبنی بر حمایت اعراب اسرائیل از قیام انتفاضه، محکومیت دیدار شارون از مسجد الاقصی توسط نمایندگان عرب، درخواست این نمایندگان جهت انجام تحقیقات خارجی در خصوص ناآرامی ها و عدم اعتماد به تحقیقات داخلی و خروج نیروهای ارتش اسرائیل از روستاهای عرب نشین، درخواستهایی بود که این نمایندگان از دولت اسرائیل داشتند. موضعگیری اعراب

برگزیده است، علاوه بر افزایش تهدیدات امنیتی برای این رژیم، هزینه مالی فراوانی را نیز به همراه داشت. اختصاص ۳۵۰ میلیون شیکل برای مقابله با تهدیدات در مرزهای شمالی، اختصاص ۶۲۵ میلیون دلار (۱) مازاد بر بودجه تصویب شده ارتش، برای مقابله با بحران انتفاضة، هزینه های تحمیلی به ارتش در بحران اخیر بوده است.

(۵) افکار عمومی داخل اسرائیل

شکل گیری قیام انتفاضة دیدگاههای منفی را نسبت به دولت باراک در داخل اسرائیل به همراه داشت. دولت باراک صرفاً به دلیل شعارهای صلح طلبانه اش بود که مورد اقبال مردم واقع شد. گذشت بیش از یک سال از عمر دولت باراک و عدم تحقق خواسته های رأی دهندگان نوعی سرخوردگی و ناامیدی را به همراه داشته است. در این میان قیام انتفاضة نیز مزید بر علت شده و تسا حدود زیادی اعتبار باراک را در جامعه اسرائیل خدشه دار نمود. همزمان شدن

۱- رادیو اسرائیل (۱۳۷۹/۸/۴)

گسترش بحران به مرزهای شمالی، عدم نتیجه بخش بودن اقدامات نظامی را مشخص ساخت. تصمیم باراک برای خروج ارتش از آرامگاه حضرت یوسف (ع) نمونه بارز شکست تاکتیک نظامی در مقابله با بحران بود. تخلیه آرامگاه حضرت یوسف از یک سو ضعف نظامی این رژیم را آشکار ساخت و از سوی دیگر شکافی را در بین مقامات سیاسی و نظامی این رژیم ایجاد نمود. چرا که نظامیان مخالف تخلیه این مکان بودند. نظرات افرایم سنه معاون وزیر دفاع مبنی بر این که تخلیه این مکان دایمی خواهد بود و نیروهای اسرائیل دیگر نخواهند توانست بر این مکان مسلط شوند و اظهارات سخنگوی ارتش مبنی بر موقتی بودن تخلیه آرامگاه شکافهای این دو بخش را نمایان ساخت. نظامیان همچنین طرح باراک را برای جداسازی فلسطینیان از یهودیان غیر عملی دانسته و با آن مخالفت نمودند.

ارزیابی نظامیان مبنی بر گسترش بحران و تأکید بر این که عرفات جنگ را به عنوان یک راه استراتژیک

این رژیم توانایی باقی ماندن در یک وضعیت بحرانی را برای مدت طولانی نخواهد داشت. تمام سعی مقامات رژیم صهیونیستی در محدود کردن بحران چه از لحاظ مکانی و چه زمانی می باشد. بر این اساس می بینیم که این رژیم با تمامی ابزارهای نظامی سعی در آرام کردن اوضاع و سرکوب بحران دارد، ولی باید گفت گذشت بیش از دو ماه از آغاز انتفاضه مردم فلسطین و گسترش آن، ناکارآمدی شیوه های نظامی در برخورد با آن را آشکار کرده است. بنابراین اگرچه شیوه های نظامی در کوتاه مدت برای این رژیم ممکن است کارساز باشد و تا حدودی خواسته های آنان را تحقق بخشد، ولی در بلند مدت این رژیم نخواهد توانست از این شیوه برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند و به ناچار تن به راه حل های سیاسی - روی آوردن به مذاکرات سازش - خواهد داد.

* کارشناس مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی علمی ندا
 ۱- رادیو اسرائیل در بخش خبری (۱۳۷۹/۸/۵) خسارت های وارده به اقتصاد اسرائیل را در نتیجه ناآرامی های اخیر یک میلیارد و دویست میلیون دلار برآورد کرد!

آغاز انتفاضه با جشن های روش هاشانا (از اعیاد یهودیان)، عید یوم کپور و عید سوکوت خاطره تلخی را برای مردم اسرائیل داشته و احساس ترس و ناامنی را برای جامعه پراز شکاف و ساختگی اسرائیل دو چندان کرده است. در مجموع به خطر افتادن امنیت این جامعه و شهرک نشینان از یک سو، خسارت های فراوان اقتصادی (۱) از سوی دیگر، نارضایتی های عمومی را از دولت باراک افزایش داده است. نتیجه این نارضایتی ها را، در تغییر نگرش مردم اسرائیل از بساراک به نتانیاو شاهد هستیم.

در جمع بندی از مطالب عنوان شده باید گفت قیام جدید انتفاضه و سرکوب شدید آن، روشن ساخت که روی کار آمدن دولت های مختلف در این رژیم هیچ تغییری را در ماهیت برخورد با فلسطینیان ایجاد نکرده است و سیاست سرکوب و کشتار مسلمانان فلسطینی، سیاستی ثابت و پایدار از بدو تأسیس نامشروع این رژیم تا به حال بوده است.

از طرفی با توجه به جامعه پراز شکاف اسرائیل و ساختگی بودن آن،